

گفتگو با شان طوب بازیگر ایرانی موفق

در تلویزیون و سینمای آمریکا

لبان دیگران آورد

احمد احمد: آقای شان، از دیدار شما بسیار خوشحال و خرسندم. به شهر هوستون خوشی آمدید، برای شروع، و آشنایی بیشتر خوانندگان ما، لطفاً با شما، بطور مختصر از زندگی خودتان برایمان بگوئید.

شان طوب: خوشحالم که می توانم با شما گفتگویی داشته باشم. من در تهران به دنیا آمدم اما وقتی دو ساله بودم، به خاطر تحصیلات مادرم، به منچستر انگلیس رفتم و چند سالی آن جا بودم و بعد به ایران برگشتم و تقریباً ۱۳ سالم بود که به سوئیس رفتم و بعد از آن جا به ایالت همشایر رفتم که سال آخر دبیرستان را در آن جا گذراندم. بعد به کالجی در هوستون رفتم و پس از دو سال به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC) منتقل شدم و بعد از تمام کردن دانشگاه، در لس آنجلس ماندم. و الان هم در همان جا زندگی می کنم.

احمد احمد: با اینکه مدت کمی در ایران بوده، ولی می بینم شما خیلی خوب فارسی صحبت می کنید. بسیار مشتاقم بدانم که شما چطور شد که وارد عالم سینما شدید!

راستش قضیه جالبی است. هنای سینما همیشه برای من جذبه خاصی داشته است. یادم که از همان ۵ سالگی وقتی از من می پرسیدند در آینده چه کاره می خواهی بشی، می گفتم هنرپیشه. و البته پدر و مادرم می گفتند این حرف را نزن، بگو که می خواهی دکتر بشی، مهندس بشی. ما الان در دنیای زندگی می کنیم که مهم نیست که چکاره می خواهی بشوی، مهم این است که اشتیاق و علاقه تان به چیست. من همیشه به پدر و مادرم می گویم وقتی فرزندان به کاری اشتیاق داشته باشند، حتی



Photo by Ben Bernous www.studio-91.com

تراولتا - «پسران بد» - با ویلی اسمیت و مارتین لورنس، «مهریبه» - نام بود. حضور شان طوب در هوستون، که برای افتتاح فیلم «کسی از گریه های ایرانی خبر ندارد» - ساخته بهمن قبادی - در موزه هنرهای زیبا، آمده بود، فرصت مناسبی را پیش آورد تا بتوانم از نزدیک این بازیگر موفق ایرانی را ببینم و با او گفتگویی داشته باشم. از همان برخورد اول، او را انسان جالبی یافتم؛ با چهره ای خندان و مهربان که خیلی راحت می تواند ارتباط برقرار کند و خنده بر

شان طوب بازیگر ایرانی اخیراً تازه ترین فیلم خود را به نام The Last AirBender به پایان رسانده است که به زودی به نمایش عموم گذاشته می شود. شان در بیش از ۱۰۰ سریال تلویزیونی و نیز ۳۵ فیلم سینمایی نقش داشته است که از جمله فیلم های سینمایی او می توان فیلم های «تصادف»، «هابلداک بلز» «مرد آهنی» «داستان ولادت عیسی»، «جنگ چارلی ویلسون» - در کنار تام هنکس و جولیا رابرتز - «بیکان شکسته» - با جان



خیلی خوشحالیم که در این فیلم بازی کردم.

احمد آدم: از تجربه نان در فیلم Iron Man بگوئید. شما از نقش خودتان در این فیلم راضی بودید؟

شان طوب: من پیشنهاد می کنم اگر عده ای آن را ندیده اند حتماً آن را ببینند. فیلم بسیار پر هیجان و سرگرم کننده ای است. باید بگویم برای من تجربه بسیار خوبی بود. زمانی که مرا برای این فیلم استخدام کردند، کارگردان فیلم به من گفت که شان، من واقعاً نمی دانم با این شخصیت چکار کنم. چون آن طور که باید و شاید نتوانستیم آن را پرورش دهیم. خلاصه من و رابرت داونی جوانی که از همان جلسه اول با هم جور شده بودیم، مرتب راجع به سناریو نظر دادیم و به مدت دو هفته با نویسندگان تبادل نظر کردیم که سناریو چگونه باید نوشته بشود. خوشبختانه فیلم بسیار موفقتر هم از کار درآمد.

من در این فیلم نقش Yinsen را بازی کردم و برای من جالب بود که خیلی ها شخصیت او را دوست داشتند. Yinsen در کتاب **بقیه هر صفحه ۸۶**

برای مثال، فیلم «پسران بد» برای خودم یک کار سرگرم کننده و مطبوعی بود، یا سریال «Seinfeld» که از گذشته شروع شده و به صورت سریالی تاریخی درآمد. یا فیلم «Crash» به خاطر اینکه چند جایزه اسکار را برد و در همه جا مطرح شد و از طرفی توجه دیگران را نسبت به من جلب کرد. یا این فیلم خیلی درها به رویم باز شد. و یا فیلم «Kite Runner» که فیلم بسیار زیبایی است.

احمد آدم: چطور شد که شما برای بازی در فیلم جامه‌های باز انتخاب شدید؟

شان طوب: من اتفاقاً در ایتالیا بودم و داشتم فیلم «The Nativity Story» را به اتفاق شهره کار می کردم، که تلفنی زده شد مبنی بر اینکه مارک فوستر - کارگردان فیلم - که الان در لندن است می خواهد تو را ببیند. من اول گفتم نه چون مشغول به کارم، ولی بعد که سناریو را خواندم، گفتم هر طور شده باید مارک را ملاقات کنم. خلاصه در یک تعطیلی آخر هفته، من از جنوب ایتالیا به لندن رفتم - سه ساعت فقط در لندن بودم - مارک را دیدم. مارک البته مرا از کارهای قبلی ام و فیلم «تصادف» می شناخت. من

اگر شیشه شوری باشد، بالاخره راهی پیدا می کند که بهتر از همه موفق می شود. من وقتی به سوئیس رفتم به پدر و مادرم نامه نوشتم که می خواهم هنرپیشه شوم، آن ها مخالفت کردند البته مادام الان خیلی خوشحال است. من وقتی کالج را تمام کردم، به خاطر مخالفت ها، به کار معاملات املاک پرداختم. از آن جا که کارم در رابطه با اجاره دفاتر کار بود، یک روز یک اژانس در همان ساختمانی که مسئولیت آن را داشتیم، دنبال دفتر می گشت. خلاصه در آن جا محلی را که من نشان داده بودم، اجاره کردند و بدین ترتیب با مسئول آن دوست شدم. یک روز که توی اژانس بودم، او سناریویی را جلوی من گذاشت و گفت بیا، تو که می گی می خوای هنرپیشه بشی، ببینم چند مرده حلاجی. منم آن را اجرا کردم. او گفت مرا دست انداخته ای؟ گفتم چطور مگه؟ گفت تا حالا هیچ گونه آموزشی ندانستی؟ گفتم نه. گفت خیلی جالبه. حالا بیا یک عکس بگیر تا ببینم که چکار می توانیم بکنیم. گفتم والا من ۲۰۰۰ دلار پول عکس نمی دهم. گفت یک نفر باید برام یک تطفی بکنه، برای همین خودم به عهده می گیرم. خلاصه من هم فوری رفتم دنبالش و بعد از سه هفته به من رنگ زد و گفت برای کاری برم آزمایش. خلاصه برای اینکه هول نکتم زیاد توضیح نداد برای چه کاری. از قرار، آزمایش هنرپیشه برای فیلم درمیو ۴ بود که من رفتم ولی چون قدم بلند بود، سیلوستر قبول نکرد. فیلم بعدی، فیلم Hunter بود. این فیلم اولین کارم بود که البته همه تعجب کرده بودند و الان که ۲۰ سال از آن گذشته، در حدود ۱۰۰ سریال تلویزیونی و ۲۵ فیلم بلند سینمایی بازی کرده ام.

احمد آدم: از دید خودتان، مهمترین آن ها کدام فیلم ها هستند؟

شان طوب: راستش این فیلم ها مثل بچه های آدم می مانند که ساخته بگوئی کدامشان را بیشتر دوست داری. اما خوب

که هم نامزد اسکار شد و هم امسال جایزه امی را برد؛ یا آنتونی عزیزی و بسیاری دیگر. من خوشحالم که یکی از کسانی هستم که راه را برای نسل آینده باز می کنند.

احمد آدم: چه برنامه تازه ای در دست دارید؟

شان طوب: راستش الان موقعیت خیلی جالبی برای من به وجود آمده است. هر چند خیلی مایلم که قسمت دوم The Last Airbender را ادامه بدهم، ولی دنبال یک پروژه خیلی خاص می گردم که هنوز گیرم نیامده، البته خدا را شکر، پیشنهادات زیادی هست.

ولی بطور کلی من همیشه اعتقاد داشتم که موضوع این نیست که زیاد کار بکنی، بلکه مهم این است که درست کار بکنی. فیلم هایی را هم که انتخاب کردم بر اساس همین اعتقاد بوده است. خیلی زحمت کشیده می شود تا برای آدم احترامی در جامعه قائل شوند. به هر حال به خاطر فیلم هایی چون «تصادف»، «بادبادک باز» و غیره، احترامی برایم هست و من سعی می کنم کاری نکنم که این احترام از بین برود.

احمد آدم: آقای شان سوال بسیار است اما به هر حال باید رعایت وقت شما را هم کرد. اما لازم است در این جا به شما که این گونه فعالانه و خستگی ناپذیر در تلویزیون و سینما فعالیت می کنید و بسیار هم موفق هستید، تبریک بگویم و امیدوارم که بیش از پیش موفق و سرفراز باشید. از شما که وقتان را در اختیار ما گذاشتید تا گفتگویی برای خوانندگان هاشقانه داشته باشیم، و همچنین از خانم Marian Luntz، مسئول فیلم موزه که زمینه را برای این گفتگو فراهم کرد، سپاسگزاری می کنم.

شان طوب: امیدوارم از کار تازه ما خوشتان بیاید و انشالله باز هم در تماس خواهیم بود.

شان طوب: در واقع چون Avatar جلوتر از فیلم ما روی پرده سینما آمد، ما مجبور شدیم، کلمه Avatar را از اول فیلم The Last Airbender حذف کنیم تا این تشابه سوء تفاهمی برای تماشاگر به وجود نیآورد. دو فیلم کاملاً متفاوتی هستند.

احمد آدم: شما از دید خودتان، از آغاز تاکنون، چه پیشرفتی در کار هنری تان می بینید؟

شان طوب: من فکر می کنم کلاً هنرمند همیشه باید در حال پیشرفت باشد. آن زمانی که احساس کنی این بهترین چیزی است که به دست آورده اید، یا بهتر از این دیگر نمی توانید بگیرید، دیگر وقت آن است که خود را بازنشست کنید. چون که در هنر هیچوقت نمی توانی بگویی که به نهایت رسیده ای. هنر حد و حدودی ندارد. یک هنرمند باید دائماً در کارش پیشرفت کند و انتظار کار بهتری داشته باشد.

احمد آدم: شما به عنوان یک ایرانی، وقتی به میان ایرانی ها می روید، احساس فرور نمی کنید که مردم احترام خاصی برایتان قائلند؟ در این مورد چه احساسی دارید؟

شان طوب: راستش من احساس غرور و افتخار می کنم که به عنوان یک ایرانی، بدون هیچ پشتوانه و حمایت کننده ای، توانسته ام در فیلم های درخوری بازی کنم، توانسته ام در مجامع سینمایی سربلند بر روی فرش قرمز راه بروم و رسانه های عمومی و عکاسان به من توجه داشته باشند. به نظر من ایرانی ها از بهترین مهاجرینی هستند که به آمریکا آمده اند. آن ها در خیلی از زمینه ها انسان های موفقی هستند. در زمینه سینما ما هنوز به آن جایی که می خواهیم نرسیده ایم. اما در حال کار هستیم و نسل آینده نیز در راه است. البته از نسل ما هم خیلی ها دارند کار می کنند، مثل ماز جبرانی، که الان هم یک سریال تلویزیونی گرفته، شهره آغداشلو

اصلی، شخصیت مهمی است؛ برای همین هم خیلی سعی کردند که برای قسمت دوم فیلم، مرا دوباره برگردانند ولی من در آن زمان قرارداد فیلم The Last Airbender را امضا کرده و مشغول کار شده بودم و برای همین نتوانستم در قسمت دوم بازی کنم.

احمد آدم: Avatar the Last Airbender کار اخیر شماست. کی به نمایش درمی آید؟

شان طوب: این فیلم در دوم جولای ۲۰۱۰ به نمایش در می آید. فیلم بسیار هیجان انگیز و مهیجی است که تقریباً ۱۶۰ - ۷۰ میلیون هزینه داشته است. فیلمی بزرگ و پر عظمت مثل «هری پاتر» و «ارباب حلقه ها» ست. این فیلم تریلوژی خواهد بود. قسمت دوم آن هم نوشته شده که کارگردان آن را به کمپانی پارامونت داده است و آن ها خیلی در این مورد هیجان زده اند. خوشبختانه دو تا کار در پیش داریم.

احمد آدم: شما در این فیلم نقش uncle Iroh را بازی می کنید. جالب است که Iroh در کارتون، شخصیتی قوی هیکل و چاقی است، آیا شما مجبور شدید که برای ایفای این نقش وزن اضافه کنید؟

شان طوب: نه، اتفاقاً اول این فکر را داشتم ولی بعد آقای چملان که کارگردان فیلم است، از شیوه دیگری استفاده کرد که نسبت به کارتون آن متفاوت شده است. او دوست داشت که من برداشت خاص خودم را داشته باشم. ما کلاً تصمیم گرفتیم که این شخصیت را کمی نکنیم.

احمد آدم: Avatar به کارگردانی جیمز گرون، فیلمی است که روی اکران آمده و بسیار هم موفق بوده، این فیلم چه ربطی به فیلم Avatar: The Last AirBender دارد؟